

منابع آبی مشترک در حوضه کورا - ارس؛ پیشران صلح در قفقاز جنوبی

فریده محمدعلی پور*

استادیار گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی

حامد طالبیان

دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه خوارزمی

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۲۱ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۷/۰۴/۰۳)

چکیده

حوضه آبریز کورا - ارس در منطقه قفقاز جنوبی میان جمهوری آذربایجان، ارمنستان و گرجستان، ایران و ترکیه قرار دارد. دو رود اصلی کورا و ارس از پرآب‌ترین رودهای منطقه هستند که مسائل اقتصادی، اجتماعی، امنیتی و سیاسی بسیاری پیرامون آن‌ها وجود دارند. همکاری‌های مبتنی بر توافقی‌های محدود و چندجانبه میان ارمنستان، گرجستان و جمهوری آذربایجان به‌طور معمول با ابتکار سازمان‌های جهانی و اتحادیه اروپا ایجاد شده‌اند و از این مسئله بسیار مهم غفلت کرده‌اند که ایران و ترکیه دو بازیگر و کنشگر اصلی در استفاده و مدیریت منابع آبی این حوضه هستند. با توجه به اینکه هیچ نهاد بین‌المللی برای مدیریت یکپارچه منابع آبی مشترک در این حوضه تأسیس نشده و پیمانی نیز برای تقسیم این منابع بسته نشده است، استفاده از نظریه پیچیدگی در روابط بین‌الملل با فراهم کردن امکان درک صحیح از مسائل این حوضه، کمک می‌کند تا برای این پرسش اساسی پاسخی بیابیم: توازن‌نداشتن منابع و مصارف و نیز وابستگی به منابع آبی مشترک چگونه بر روابط میان کشورهای حوضه آبریز کورا - ارس تأثیر می‌گذارد؟ نوشتار حاضر با استفاده از روش تبیینی برای آزمون فرضیه از شیوه مثبت یعنی بررسی شاخص‌های متغیرهای تشکیل‌دهنده مفاهیم استفاده می‌کند و داده‌های مربوط را جمع‌آوری و تحلیل می‌کند. نتیجه‌های نوشتار این فرضیه را ثابت می‌کند که تعدد و وابستگی متقابل عامل‌های مؤثر بر بهره‌برداری از منابع آبی مشترک در حوضه از راه به‌کارگیری اصول استفاده منصفانه و معقول و منع واردکردن ضرر مهم، پیشران همکاری و صلح، اعتمادسازی، افزایش ثبات و کاهش نزاع‌های سیاسی و امنیتی میان کشورهای حوضه می‌شود.

کلیدواژه‌ها

حوضه آبریز کورا - ارس، صلح، قفقاز جنوبی، مدیریت یکپارچه منابع آبی، منابع آبی مشترک.

مقدمه

منابع آب شیرین در جهان شامل آبراه‌ها، آبخوان‌ها، دریاچه‌ها و رودها در توسعه اقتصادی و رفاه بشریت نقش اساسی بازی می‌کنند و در مقیاس گسترده در تنوع زیستی جهان سهم دارند. بسیاری از این منابع بین دو یا چند کشور مشترک و با شبکه پیچیده‌ای از وابستگی‌های زیست‌محیطی، سیاسی، اقتصادی و امنیتی مرتبط هستند. با وجود ۲۸۶ حوضه بین‌المللی مشترک، ۱۵۱ کشور شامل بیش از ۲/۸ میلیارد نفر (حدود ۴۲ درصد از جمعیت جهان) در ۶۲ میلیون کیلومتر مربع (۴۲ درصد از کل زمین) (TWAP, 2016) برای بهره‌برداری از منابع آبی مشترک ناچار به همکاری با یکدیگر هستند. محدودیت دولت‌ها در گرفتن حقوق خود برای استفاده‌های غیرکشتریانی از منابع آبی مشترک بین‌المللی همواره سبب اختلاف دولت‌های بالادست و پایین‌دست بوده است.

منابع آبی به دلیل برخورداری از این سه ویژگی اصلی به یکی از اولویت‌های اصلی سیاسی و امنیتی در جهان تبدیل شده‌اند: نخست کانون مشکلاتی مانند سیلاب، خشک‌سالی، استخراج بیش از حد، آلودگی و غیره در جهان امروز هستند. دوم حل مشکلات آبی هزینه‌های بالایی دارد و نیازمند صرف زمانی طولانی‌مدت است. سرمایه‌گذاری برای حل مشکلات آبی نیز به نوبه خود به معنای آن است که پول و سرمایه کمتری برای حل مشکلات دیگر مانند کاهش فقر و گسترش آموزش صرف خواهد شد؛ سوم همیشه برنده و بازنده بالقوه وجود دارد؛ برای نمونه، آب بیشتر برای صنعت به معنای آب کمتر برای کشاورزی است؛ بنابراین، نیازمند مصالحه، سبک و سنگین کردن و پیدا کردن نقطه مشترک یا وضعیت تعادلی هستیم. به بیان بهتر، هیچ‌گاه راهبرد «یک قواره اندازه همه» دست‌یافتنی نیست هرچند که بهترین راهکار پیدا کردن بازی با حاصل جمع غیرصفر است (World Water Council, 2015: 13).

به لحاظ نظری ایده همکاری بر سر منابع آبی به عنوان مسیری برای صلح‌سازی امکان‌پذیر به نظر می‌رسد؛ اما در عالم واقع با چالش‌هایی همچون تقارن‌نداشتن‌های موجود، تأثیرپذیری از تحولات سیاسی، برقراری روابط یا حل تعارض بر سر حقوق مالکیت و پاسخ به انتظارات مختلف روبه‌رو است. به‌طور طبیعی مسائل سیاست جهانی می‌توانند منبع و منشأ تنش‌ها و نزاع‌های جهانی در آینده باشند؛ اما مهم‌تر از آن استفاده از مسائل سیاست جهانی به عنوان پیشران صلح از راه دیپلماسی و دیگر سازوکارهای همکاری هستند. هنگامی که کمیت آب با تقاضای در حال رشد سازگار نباشد یا کیفیت آن کاهش پیدا کند، رقابت میان کنشگرانی تشدید می‌شود که از آب استفاده می‌کنند. این وضعیت بیشترین تأثیر بی‌ثبات‌سازی خود را

جایی نشان می‌دهد که قلمرو یک حوضه آبریز از مرزهای سیاسی عبور می‌کند؛ موضوعی که تقریباً در همه حوضه‌های آبریز در قفقاز از جمله در حوضه آبی کورا - ارس رخ می‌دهد؛ اما تجربه نشان داده است که در بسیاری از موقعیت‌ها، به‌جای آنکه نزاع جدیدی آغاز شود، نیازهای آبی مشترک توان ایجاد همکاری در سطحی غیر قابل انتظار را نیز داشته‌اند (Hefny, 2011: 19).

حوضه رودخانه‌ای کورا-ارس^۱ (آراکس) چنانکه نقشه ۱ نشان می‌دهد یکی از حوضه‌های اصلی قفقاز جنوبی با مساحت حدود ۱۱۰۱۹۰ کیلومتر مربع است که ۶۵ درصد آن در کشورهای قفقاز جنوبی قرار دارد: ۳۱/۵ درصد در جمهوری آذربایجان، ۱۸/۲ درصد در گرجستان، ۱۵/۷ درصد در ارمنستان، ۱۹/۵ درصد در ایران و ۱۵/۱ درصد در ترکیه (Aquastst, 2009:1). مرزهای آن شامل تمام قلمرو ارمنستان و بیش از دوسوم جمهوری آذربایجان است. رود کورا از گرجستان و رودخانه آراکس (ارس) از ترکیه سرچشمه می‌گیرند و هر دو با پیوستن به یکدیگر به دریای خزر می‌ریزند.



نقشه ۱. حوضه رودخانه‌ای کورا - ارس

Source: Vener and Campana, 2013

این حوضه به‌دلیل وضعیت مرزی و آورد آبی رود ارس و قرارگرفتن بخشی از این حوضه در درون خاک ایران به‌طور طبیعی در دایره نفوذ و منافع ایران قرار می‌گیرد. علاوه بر این

1. Kura-Aras River Basin

به دلیل وجود مرز مشترک با روسیه و عضویت سه کشور ساحلی در اتحادیه اروپا، در دایره نفوذ و علاقه قدرت‌های بزرگ و سازمان‌های بین‌المللی نیز قرار می‌گیرد. از این رو، بازیگران و کنشگران سیاسی، اقتصادی و زیست‌محیطی حوضه رودخانه‌ای کورا - ارس در قفقاز جنوبی متعدد، متنوع و هم منطقه‌ای هم جهانی هستند. فرایندهای سیاسی همچون فرایندهای انسانی به تدریج شکل می‌گیرند و تحول پیدا می‌کنند تا به نقطه همکاری دیپلماتیک کامل تقویت‌کننده صلح یا نقطه وقوع نزاع و درگیری برسند؛ بنابراین، پرسش اصلی این است که توازن‌نداشتن منابع و مصارف و نیز وابستگی به منابع آبی مشترک چگونه بر روابط میان کشورهای حوضه آبریز کورا - ارس تأثیر می‌گذارد؟ در پاسخ، این فرضیه طرح شده است که تعدد و وابستگی متقابل عامل‌های مؤثر بر بهره‌برداری از منابع آبی مشترک در حوضه از راه به‌کارگیری اصول استفاده منصفانه و معقول و جلوگیری از وارد کردن ضرر مهم، پیشران همکاری و صلح، اعتمادسازی، افزایش ثبات و کاهش نزاع‌های سیاسی و امنیتی میان کشورهای حوضه می‌شود.

این نوشتار با بررسی سیستم‌های پیچیده مرتبط با مدیریت سیاسی منابع حوضه آبی کورا - ارس تلاش می‌کند تا نقاط عطفی را شناسایی کند که ماشه صلح و همکاری پایدار یا وقوع نزاع و درگیری بر سر بهره‌برداری از منابع آبی هستند. شایان توجه اینکه بررسی پژوهش‌ها نشان می‌دهد که موضوع، نظریه و روش نوشتار حاضر حتی در مقایسه با ادبیات انگلیسی‌زبان نوآوری دارد و گامی در جهت برداشتن خلأ علمی در حوضه کورا - ارس در روابط بین‌الملل محسوب می‌شود؛ در نتیجه با شناسایی سازوکارهای مختلف ممکن، این امکان به وجود می‌آید که راهکارهایی برای حرکت در مسیر همکاری و صلح را در اختیار سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران قرار دهد.

چارچوب نظری؛ نظریه پیچیدگی

با توجه به روابط مختلف و نفوذ یا وابستگی متقابل عناصر مؤثر در بهره‌برداری از منابع آبی مشترک در حوضه کورا - ارس بر یکدیگر، درک موضوع‌ها و پیش‌بینی رفتار آینده بازیگران بسیار مشکل است و سبب می‌شود که سیستم رفتارهای ویژه‌ای از خود بروز دهد که از تجمع بی‌شمار رفتارهای کارگزاران در سطح خرد پدیدار شده است. از این نظر استفاده از نظریه پیچیدگی می‌تواند در بهره‌برداری بهینه از این منابع سودمند باشد. با وجود گستردگی ادبیات نظریه پیچیدگی در رشته‌های مختلف، به نظر می‌رسد که استفاده از آن در رشته روابط بین‌الملل محدودتر بوده است (Gunitsky, 2013). سیستم‌های پیچیده از شبکه بزرگ اجزای آن و کنترل مرکزی نداشتن تشکیل می‌شوند و بنابر با قواعد ساده‌ای عمل می‌کنند. آن‌ها موجب پدیدار شدن رفتار پیچیده جمعی، پردازش اطلاعات پیشرفته و انطباق از راه یادگیری یا تکامل می‌شود.

پنجیدگی مجموعه‌ای از ویژگی‌های رفتاری یک سیستم را شامل می‌شود (Mitchell, 2016: 25-26).

مسائل پیچیده، مسائلی هستند که در آن‌ها رابطه علی مبهم^۱ است و قطعیت نداشتن و غیرخطی بودن از ویژگی‌های ذاتی سیستم است. با وجود این ابهام‌ها، یکی از راه‌های پرداختن به روابط بین‌الملل با استفاده از نظریه پیچیدگی جدا کردن مسائل ساده، سخت و پیچیده است. نخست آنکه قلمروهای مختلف سیاسی، اجتماعی، حقوقی، فیزیکی، زیست‌محیطی یا زیست‌شیمیایی را با خود درگیر می‌کند. دوم آنکه ویژگی پیچیدگی در تخصیص و استفاده از آب‌های بین‌المللی در پیامدهای دینامیک رقابت‌هایی ریشه دارد که به دلیل پیوند متقابل و حلقه‌های بازخورد میان چندین کنشگر به وجود می‌آید. مسائلی چون این موضوع که چگونه می‌توان حق مردم کشورهای پایین دست یک حوزه آبریز را با اولویت‌های توسعه کشاورزی در کشورهای بالادست سازگار کرد، یا این پرسش که چگونه می‌توان بر سر ارزش‌های مشترکی چون برابری و پایداری در استفاده از منابع آبی مشترک توافق کرد، یا این پرسش که چگونه می‌توان بر سر منافع رقیبی چون سازگاری با تغییرهای اقلیمی، تأمین حق‌آبه اکولوژیکی یک حوزه آبریز و نیازهای توسعه انرژی سازگاری برقرار کرد، از جمله مسائل پیچیده آبی هستند (Choudhury and Islam, 2015: 46).

بدین ترتیب به شکل معمول از راه فرایندها و نهادهایی به مسائل پیچیده پاسخ داده می‌شود که در ارزش‌ها و منافع اجتماع‌های سیاسی و دانشی ریشه دارند. به بیان بهتر، پاسخ به مسائل آبی در دو ویژگی اصلی، معرف و اساسی مشترک هستند: ۱. ارزش‌ها، منافع و اطلاعات رقیبی وجود دارد که هرکدام یک مشکل را به شیوه متفاوتی چارچوب‌بندی می‌کنند؛ ۲. رویکردهای مختلف به چگونگی حل مسئله با یکدیگر متفاوت هستند (Islam, and Repella, 2015: 1). بنابراین، حتی در قلمروهای درون‌سرزمینی استفاده از مهندسی سیستم‌های طبیعی (مانند نگرش مدیریت یکپارچه منابع آبی در مهندسی محیط‌زیست) به‌تنهایی کافی نیست؛ زیرا قلمروهای سیاسی و اجتماعی را از مسئله مدیریت منابع آبی جدا می‌کند و سیستم را محدود به پویایی‌های علت و معلولی طبیعی و از پیش مشخص در نظر می‌گیرد. این موضوع هنگامی پیچیده‌تر می‌شود که مرزهای سیستم‌های درهم‌تنیده مرتبط با حوضه‌های آبریز فراسرزمینی به‌درستی تعریف نشده باشند و رابطه علت و معلولی کاملاً مبهمی میان بازیگران فراملی، ملی و فراملی برقرار باشد. ظرفیت ما برای فهم و مدیریت چنین سیستم‌های پیچیده‌ای بسیار متفاوت از سیستم‌های ساده و سخت است. بنابراین، به‌طور خلاصه برای مسائل آبی پیچیده، نخست، نیازمند فهم چرایی مسائل آبی هستیم تا ارزش‌ها، منافع و ابزارهای رقیب را به‌درستی

شناسایی کنیم. برای فهم چگونگی حل آن‌ها از جنبه نظری نیازمند استفاده از «نظریه پیچیدگی» و رویکرد «منافع متقابل» برای رسیدن به «راه‌حلی مذاکره‌ای» برای نیازهای رقیب و در حال نزاع هستیم.

حوضه آبریز کورا-ارس؛ سیستمی پیچیده با اطراف متعدد

پس از فروپاشی اتحاد شوروی و اعلام استقلال کشورهای گرجستان، ارمنستان و جمهوری آذربایجان، حوضه آبریز کورا-ارس به حوضه آبریز بین‌المللی میان پنج کشور ایران، ترکیه، جمهوری آذربایجان، ارمنستان و گرجستان تبدیل شده است. پیش از فروپاشی اتحاد شوروی بازیگران و کنشگران مهم در این حوضه آبریز تنها محدود به ایران، ترکیه و اتحاد شوروی بود و در نتیجه مدیریت مسائل آبی این حوضه با سهولت بیشتری ممکن بود. همان‌گونه که تنها پیمان‌های جامع مدیریت منابع آبی این حوضه پیش از فروپاشی شوروی میان ایران و اتحاد شوروی و ترکیه و اتحاد شوروی امضا شده است. با تجزیه اتحاد شوروی و شکل‌گیری دولت‌های جدید در قفقاز جنوبی، نه تنها بازیگران و کنشگران منطقه‌ای افزایش یافتند؛ بلکه به ورود و تأثیرگذاری کنشگران و بازیگران جدیدی چون سازمان‌های بین‌المللی مانند بانک جهانی و نیز اتحادیه اروپا به‌عنوان کنشگری که مسائل قفقاز جنوبی را در محیط امنیتی خود در نظر می‌گیرد، منجر شد. همچنین منازعات امنیتی میان این کشورها، وضعیت مناطق خودمختار و نیمه‌خودمختار و جنگ و تداوم روابط خصمانه میان ارمنستان و جمهوری آذربایجان و نقش ایران و ترکیه در حمایت از دولت‌های مختلف ساحلی، همگی بر پیچیدگی مسائل آبی این حوضه آبریز در سال‌های گذشته افزوده است.

طرح‌های مختلف توسعه اقتصادی در کشورهای ساحلی این حوضه آبریز در وضعیت نبود نهادهای همکاری و تشریک‌مساعی، به‌صورت معمول به‌صورت مجزا طراحی و اجرا شده است که نشانه آن را می‌توان در روند رو به رشد به‌دست‌آوردن منابع آبی مشاهده کرد، در وضعیتی که به‌دلیل‌های مختلف از جمله تغییرهای اقلیمی میزان دسترسی کشورهای ساحلی به منابع پیوسته در حال کاهش بوده است. فرازوفرودهایی در آمار حوضه وجود دارد که شاید بخشی از آن به ملاحظات سیاسی و امنیت ملی یا درگیری‌های نظامی در سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۲ در قفقاز جنوبی بازگردد؛ اما روند این آمار به‌سادگی نشان می‌دهد که در ۲۵ سال گذشته منابع آبی در دسترس این کشورها پیوسته کاهش یافته است و هم‌زمان تمایل آن‌ها به به‌دست‌آوردن آب برای مصارف مختلف کشاورزی، صنعتی، بهداشتی، شهری و آشامیدنی افزایش یافته است. همچنین داده‌ها نشان می‌دهند که توازن میان منابع و مصارف کشورهای

ساحلی این حوضه متفاوت است که می‌تواند یکی از شرایط پذیرفتن دیپلماسی و همکاری آبی باشد.

شبکه بزرگ اجزا و کنترل مرکزی نداشتن در حوضه آبریز

مسائل مهم این حوضه آبریز بنا به پژوهش‌ها و مطالعات پیشین طیف گسترده‌ای از انواع مسائل کمی و کیفی را دربردارد. این مسائل شبکه‌ای از مسائل به‌هم پیوسته و مرتبط را تشکیل می‌دهند که بنا به اصل حاکمیت و استقلال سیاسی کشورها و نبود چارچوب نهادی برای همکاری مشترک منطقه‌ای، امکان شناسایی اقتدار یا کنترلی مرکزی برای پاسخ مشترک به این مسائل وجود ندارد. مهم‌ترین مسائل این حوضه را می‌توان این‌گونه برشمرد: بالاتر بودن سطح آلاینده‌های این حوضه چه در مقایسه با استانداردهای خود کشورهای ساحلی چه در مقایسه با استانداردهای جهانی، مشخص نبودن رژیم حقوقی این حوضه آبریز پس از فروپاشی اتحاد شوروی، نبود چارچوبی قانونی و نهادی برای مدیریت یکپارچه منابع آبی، تداوم تنش سیاسی میان ارمنستان و جمهوری آذربایجان از سال ۱۹۸۸ و نبود روابط دیپلماتیک گسترده و همکاری برای رویارویی با مشکلات؛ بنابراین، برقراری سازوکارهایی نهادی فراتر از تخصیص و تقسیم ساده منابع میان کشورهای ساحلی و نیز شناسایی شرایط و محرک‌هایی برای دامن‌زدن به روابط آبی قدرتمند مبتنی بر منافع متقابل از مهم‌ترین مشکلات پیش روی کارگزاران سیاسی این حوضه است. در حوضه کورا- ارس، هیچ پیمانی با در برگرفتن همه کشورهای سهم امضا نشده است و نهادی بین‌المللی برای حل مشکلات تأسیس نشده است. این مسئله در حالی است که مسائل و مشکلات ایجادشده بر نحوه بهره‌برداری هر کشور تأثیرگذار بوده و بدون مدیریت یکپارچه، امکان حل آن‌ها وجود ندارد.

طرح نظارت مشترک ارمنستان، جمهوری آذربایجان و گرجستان بر کیفیت آب‌های سطحی بر رودخانه‌های قفقاز جنوبی با استفاده از تأمین مالی برنامه علم برای صلح سازمان ناتو در اواخر سال ۲۰۰۲ متولد شد و به‌طور رسمی در دسامبر ۲۰۰۹ به پایان رسید (Campana and Others, 2008: 165) اطلاعات ارزشمندی در زمان حیات طرح جمع‌آوری شد؛ اما تحلیل تشخیصی فرامرزی مسائل حوضه رودخانه‌ای کورا - ارس با طرحی انجام شد که از سال ۲۰۰۷ با همکاری برنامه توسعه سازمان ملل متحد و صندوق تسهیلات جهانی محیط زیست^۱ و با مشارکت ارمنستان، جمهوری آذربایجان، گرجستان و ایران انجام گرفته است. در این طرح، مشکلات محیط‌زیستی این حوضه را تغییرها و کاهش جریان هیدرولوژیکی، بدتر شدن کیفیت آب، نزول اکوسیستم و طغیان و فرسایش ساحل برشمرده شده است. همچنین دلیل‌های

منطقه‌ای مستتر در این مشکلات بنا به این گزارش شامل تعهد و ضمانت قانونی اندک، برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای ناکافی، آگاهی عمومی و جامعه مدنی توسعه‌نیافته و سیاست‌های قیمتی ناکافی عنوان شده است. بنا به این گزارش، به جز موافقت‌نامه‌های جهانی مانند پیمان وین برای حفاظت از لایه اوزون در سال ۱۹۸۵ و چارچوب پیمان اقلیمی در سال ۱۹۹۲، هیچ پیمان منطقه‌ای میان این پنج کشور که چارچوبی برای همکاری منطقه‌ای و چندجانبه باشد، امضا نشده است (UNDP/GEF, 2007: 97-103).

در آخرین گزارش طرح کورا - ارس (UNDP/GEF, 2011). پنج وظیفه اصلی شامل توسعه برنامه عمل برشمرده شده است که انتخاب سایت‌های اصلی و روش‌شناسی مناسب، توسعه و اجرای برنامه گردآوری داده‌های پایه، ارزیابی سریع اکولوژی رودخانه و تعهد نسبت به جریان (حق‌آبه) محیط‌زیستی، فراهم کردن و توسعه فعالیت‌های آموزشی ذی‌نفعان برای رصد بیولوژیکی و اکولوژیکی و افزایش راهنمایی برای طراحی برنامه رصد بلندمدت به منظور ارزیابی تأثیرهایی در جریان آب و دیگر مداخله‌های مدیریتی در اکولوژی حوضه آبی را در برمی‌گیرد. نتیجه‌های این گزارش نشان می‌دهد که حجم داده‌های تجربی اکولوژیکی و بیولوژیکی در این حوضه چندان زیاد و مطمئن نیست که تا حدودی نشان‌دهنده نیاز به شبیه‌سازی محاسباتی و مدل‌سازی است. مطالعه‌ای در خصوص حوضه در سال ۲۰۱۲، نشان می‌دهد ایجاد پایگاه اطلاعات قوی میان کشورهای سهیم ضرورت دارد و اقدام‌ها باید در دو سطح ملی و بین‌المللی انجام شوند. اصلاحات در روش‌های سستی ضروری است و فرایند ایجاد رویکرد مشترک می‌تواند شامل گفت‌وگوی منطقه‌ای و ملی درباره ابعاد اقتصادی مدیریت آب شود که به وابستگی متقابل کشورها توجه دارد (Depaoli and Strosser, 2012).

یافته‌های ونر در مصاحبه با ۳۰ کارشناسان مدیریت منابع آبی در حوضه کورا - ارس نیز مسائل مشابهی را مطرح می‌کند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که مهم‌ترین موانع همکاری بر سر مدیریت یکپارچه منابع آبی در این حوضه آبریز به لحاظ سیاسی بی‌ثباتی، مسائل اداری و دیوانی و ساختاری و تداوم نزاع‌های قومی است که به بی‌اعتمادی میان کشورها منجر شده است. اما اراده و امید کارشناسان آبی به ایجاد و تداوم همکاری ممکن است به گسترش رو به افزایش اعتماد در سطح‌های بالاتر دولتی منجر شود و حتی شاید کشورهای قفقاز جنوبی را قادر به برقراری صلح و امنیت کند (Vener, 2007).

یافته‌های آماری دسترسی و مصرف منابع آبی و نیز فهرست مسائل اساسی نشان می‌دهد که از سویی فشار بر منابع آبی، این حوضه را در وضعیت تنش آلودی از نظر زیست‌محیطی قرار داده است. از سوی دیگر راهبرد یا راهکاری از پیش تعیین‌شده و رابطه علی شفاف برای

پاسخ به این مسائل وجود ندارد. همکاری‌های مبتنی بر توافق‌های محدود و چندجانبه میان ارمنستان، گرجستان و جمهوری آذربایجان که بیشتر با ابتکار سازمان‌های جهانی و اتحادیه اروپا اجرا شده است، از این مسئله بسیار مهم غفلت کرده‌اند که ایران و ترکیه دو بازیگر و کنشگر اصلی در استفاده و مدیریت منابع آبی این حوضه هستند. علاوه بر این، نشانه‌ای مبنی بر همکاری در زمینه مدیریت یکپارچه منابع آبی همچون پیشرانی برای اعتمادسازی، افزایش ثبات و کاهش نزاع‌های سیاسی و امنیتی میان همین کشورها عمل کرده باشد. همچنین مشخص نیست که مدیریت یکپارچه منابع آبی با مشارکت همه طرف‌های درگیر از توافق میان همه طرف‌ها بر سر کدامیک از این مسائل آغاز می‌شود؛ برای نمونه توافق بر سر به‌کارگیری سیاست‌های قیمتی به توسعه متوازن و همکاری میان کشورها دامن خواهد زد. پذیرش اصل استفاده منصفانه رابطه علی مستقیم و غیرمستقیمی با مسائل اساسی این حوضه برقرار خواهد کرد. به‌طور خلاصه، روابط علی میان مسائل هم ابهام دارد هم با قطعیت نداشتن‌های بسیار مهمی روبه‌رو است که در صورت افزایش تنش در میزان دسترسی به منابع چه مسائل شناخته‌شده یا جدیدی اهمیت خواهد یافت.

آنچه از مطالعه حاضر می‌توان دریافت، این است که با تداوم روند موجود، احتمالاً همکاری گسترش بیشتری خواهد یافت و امکان بروز نزاع یا بحران در درازمدت کاهش خواهد یافت؛ زیرا ناتوانی کشورها در حل مسائل پیچیده راهی به‌جز همکاری باقی نمی‌گذارد. تجربه جهانی نشان داده است که روی دیگر تنش زیست‌محیطی می‌تواند همکاری و برقراری صلح آبی در میان کشورهای ساحلی باشد (برای نمونه در حوضه آبی اردن یا در حوضه آبی هند) (Susskind and Islam, 2012: 1, Choudhury and Islam, 2015: 44). به‌بیان دیگر، با افزایش تنش‌های زیست‌محیطی تجربه‌های جهانی نشان داده است که بازیگران درگیر در مسائل ممکن است انگیزه، تمایل و آمادگی بیشتری برای همکاری از خود نشان دهند که در صورت وجود چارچوب‌های نهادی برای همکاری و تشریک‌مساعی، به‌جای خطر تنش و جنگ، با امکان همکاری و صلح روبه‌رو خواهیم بود.

رفتار پیچیده و سازگاری از راه یادگیری موازین بین‌المللی

از راه‌های درک رفتار پیچیده بازیگران، درک چرایی مسائل پیچیده‌ای است که با آن روبه‌رو هستند. در این زمینه، درک چارچوب‌های دانشی، اعتقادی و ارزشی اهمیت بسیار زیادی دارد؛ زیرا بازیگران معمولاً بر مبنای همین چارچوب‌ها به مسائل پیچیده محیط خود واکنش نشان می‌دهند. نبود نهادهای سیاسی کارا برای همکاری مشترک و همه‌جانبه برای پاسخ به مسائل آبی این حوضه، به عبارتی نشان‌دهنده نبود همین چارچوب‌های هنجاری است. بر همین اساس، در این بخش به اصولی اشاره می‌کنیم که در چارچوب قانون‌ها و کنوانسیون‌های

بین‌المللی می‌توانند، سنگ بنای مدیریت یکپارچه منابع آبی این حوضه باشد. محیط اکولوژیکی رودخانه فرامرزی کورا - ارس به‌عنوان حوضه‌ای آبی که میان پنج دولت مشترک است، در سال‌های گذشته با مسائل و چالش‌های مختلفی اکولوژیکی و روند رو به افزایش مصارف بیش از منابع تجدیدپذیر و نبود نهاد سیاسی مشترک و کارا روبه‌رو بوده است که مدیریت یکپارچه منابع این حوضه آبی را با مشکل روبه‌رو کرده است. به‌نظر می‌رسد که روابط دیپلماتیک میان این کشورها فقط مبتنی بر توافق بر سر میزان مصرف بوده است که به زبان سیستمی می‌تواند همچون شبکه‌ای ساده متشکل از دولت‌هایی تعریف شود که در روابط سیاسی نه به همکاری که به تبادل اطلاعات مربوط به دبی جریان آب در رودخانه می‌پردازند. به‌طور خلاصه، به‌نظر می‌رسد روند همکاری نهادی کامل برای حل همه مسائل پیچیده سیاسی، اقتصادی و زیست‌محیطی این حوضه آبی میان کشورهای ساحلی آغاز شده است. در نبود توافقات خاص میان کشورهای حوضه کورا - ارس برای استفاده‌های غیرکشتریانی باید به مهم‌ترین کنوانسیون‌های بین‌المللی رجوع کرد. کنوانسیون حفاظت و بهره‌برداری از آبراه‌های فرامرزی و دریاچه‌های بین‌المللی موسوم به کنوانسیون آب، کمیسیون اقتصادی سازمان ملل برای اروپا مصوب در سال ۱۹۹۲ و لازم‌الاجرا از سال ۱۹۹۶ است. جمهوری آذربایجان در ۳ اوت ۲۰۰۲ در آن عضو شده است. اصلاحیه مواد ۲۵ و ۲۶ این کنوانسیون در سال ۲۰۰۳ (لازم‌الاجرا از ۶ فوریه ۲۰۱۳) اجازه پیوستن کشورهای (عضو سازمان ملل) خارج از محدوده جغرافیایی را داد. جمهوری آذربایجان در ۷ ژانویه ۲۰۱۴ این اصلاحیه را پذیرفته است.

بدین ترتیب جمهوری آذربایجان برای تنظیم روابط خود با دیگر کشورها از روح حاکم بر این کنوانسیون نمی‌تواند تخطی کند. بنابر ماده ۹ کنوانسیون «لازم است به‌منظور تعریف روابط متقابل و ایجاد ارتباط با هدف پیشگیری، کنترل و کاهش آسیب‌های فرامرزی اعضای اطراف یک رودخانه، بر پایه تعامل و برابری، برای ایجاد توافقاتی دو یا چندجانبه یا سایر هماهنگی‌ها، در جایی که توافقی وجود ندارد و یا تطبیق نمونه‌های موجود، در صورتی که نیاز به حذف تناقض‌های آن با مفاد این کنوانسیون باشد، اقدام کند. اعضای اطراف رودخانه باید محدوده حوضه آبریز یا بخش‌هایی از آن را که برای همکاری در نظر دارند، معین کنند. این توافقات یا هماهنگی‌ها باید موارد مرتبط با این کنوانسیون و نیز سایر مواردی را که ممکن است ضروری شناخته شوند در برگیرند.» از این‌رو، توافقاتی پیشین و آینده در تأثیر این کنوانسیون است: نخست، کشورها در مواردی که توافقی مفاد متناقض داشته باشد، نسبت به رفع تناقض‌ها اقدام کنند؛ دوم، بخش‌های مدنظر در حوضه آبریز برای همکاری را مشخص کند؛ سوم، در تطابق با کنوانسیون توافقاتی جدیدی ببندند. این کنوانسیون نیز

دربرگیرنده دو اصل بنیادین مشارکت منصفانه و معقول و جلوگیری از وارد کردن ضرر مهم است.

کنوانسیون حقوق بهره‌برداری‌های غیرکشتریانی از آبراه‌های بین‌المللی مصوب سال ۱۹۹۷ دیگر کنوانسیون بین‌المللی است که در ۱۷ اوت ۲۰۱۴ برای کشورهایی که پیمان را پذیرفتند لازم‌الاجرا شد. هیچ‌یک از کشورهای حوضه به این کنوانسیون نپیوسته‌اند؛ اما اهمیت آن در نبود پیمان‌های چندجانبه در حوضه کورا - ارس در تدوین حقوق عرفی است. با توجه به رأی رکن قضایی سازمان ملل، دیوان بین‌المللی دادگستری لاهه، در مسئله طرح گابچیکوفو - ناجیماروس (International Court of Justice, 1997) که تنها ۴ ماه پس از بستن کنوانسیون ۱۹۹۷ سازمان ملل صادر شده است، دست‌کم بر ۳ قاعده از کنوانسیون، در زمره حقوق عرفی تأکید می‌شود: ۱. استفاده منصفانه و معقول از منابع آبی مشترک؛ ۲. جلوگیری از وارد کردن ضرر مهم به سایر دولت‌های سهم؛ ۳. اطلاع‌رسانی متقدم نسبت به اقدام‌های برنامه‌ریزی‌شده برای بهره‌برداری از آبراه بین‌المللی.

در این رأی با تأکید بر قسمت دوم اصل ۲۱ اعلامیه استکهلم، جلوگیری از وارد کردن زیان به محیط زیست جزئی از حقوق عرفی اعلام می‌شود. از دیگر نکته‌های شایان توجه در این رأی اشاره به اصل بنیادین مشارکت و تقسیم منصفانه و معقول منابع آبراه بین‌المللی است. همچنین اشاره بسیار پرمعنا به کنوانسیون ۱۹۹۷ ملل متحد است. کنوانسیونی که تنها ۴ ماه پیشتر بسته شده بود. اشاره دیوان به این کنوانسیون پشتوانه محکمی برای آن به‌عنوان سندی معتبر است. بدین ترتیب کشورهای حوضه کورا- ارس موظف به در نظر گرفتن عامل‌هایی هستند که در مواد ۶ و ۷ کنوانسیون ۱۹۹۷ ذکر شده‌اند. بر این اساس بهره‌برداری منصفانه و معقول از رودهای مشترک بین‌المللی (به تعبیر کنوانسیون آبراه بین‌المللی) در چارچوب ماده ۵ نیازمند توجه به تمامی عامل‌ها و شرایط مربوط از جمله این عامل‌ها است:

۱. عامل‌های جغرافیایی، آب‌نگاری، آب‌شناسی، آب‌وهوایی، اکولوژیکی و عامل‌های دیگری با ویژگی‌های طبیعی؛
۲. نیازهای اجتماعی و اقتصادی کشورهای مربوط به حاشیه آبراه؛
۳. وابستگی جمعیت به آبراه در هر کشور حاشیه آبراه؛
۴. آثار بهره‌برداری‌ها از آبراه در یک کشوری حاشیه آبراه یا دیگر کشورهای حاشیه آبراه؛
۵. بهره‌برداری‌های کنونی و بالقوه از آبراه؛
۶. محافظت، نگهداری، توسعه و اقتصاد بهره‌برداری از منافع آبی آبراه و هزینه اقدام‌های انجام‌شده برای اجرای آن؛
۷. دسترسی به بهره‌برداری‌های جایگزین و دارای ارزش مقایسه نسبت به بهره‌برداری‌های مطرح‌شده یا فعلی ویژه.

براساس ماده ۷ کنوانسیون، کشورها متعهد به وارد نکردن خسارت مهم به دولت دیگر سهم در آبراه هستند. بنابراین کشورهای حاشیه آبراه در بهره‌برداری از آبراه بین‌المللی در

سرزمین خود، همه اقدام‌های مقتضی را انجام خواهند داد تا از واردشدن خسارت‌های مهم به دیگر کشورهای حاشیه آبراه جلوگیری شود؛ با این حال در صورتی که خسارت مهمی به کشور دیگر حاشیه آبراه وارد شود، کشوری که با بهره‌برداری از آبراه موجب چنین خسارت مهمی شده است در صورت نبود موافقت‌نامه‌ای در خصوص چنین بهره‌برداری، همه اقدام‌های لازم را با توجه به مفاد ماده ۵ و ۶ در مشورت با کشور زیان‌دیده انجام خواهند داد تا زیان را برطرف کنند یا کاهش دهند. اگر نیاز باشد در خصوص پرداخت غرامت گفت‌وگو خواهند کرد. با توجه به پیچیدگی این عامل‌ها، کشورهای حوضه با یادگیری قواعد جاری در نمونه‌های موفق همکاری در سایر نقاط جهان، راهکاری برای حل تعارض‌هایی بین استفاده‌های متقدم و متاخر نیز خواهند داشت. در این خصوص ماده ۱۰ کنوانسیون ۱۹۹۷ اشاره می‌کند: ۱. در نبود توافق یا عرف مغایر، هیچ‌یک از موارد استفاده از آبراه به شکل ذاتی بر دیگری برتری ندارد؛ ۲. در صورت اختلاف بین موارد استفاده یک آبراه بین‌المللی، تعارض با توجه به اصول و عامل‌های مندرج در مواد ۵ تا ۷ حل و به رفع نیازهای اساسی انسان توجه ویژه خواهد شد.

اصل مشارکت منصفانه و معقول در کنوانسیون‌های متعدد گنجانده شده است. برای نمونه می‌توان به پیمان ۲۰ فوریه ۱۹۲۹ بین هائیتی و جمهوری دومینیکن اشاره کرد (Société des Nations - Recueil des Traités, 1929: 220) که بند ۲ ماده ۱۰ آن برای هر دولت طرف قرارداد حق بهره‌برداری عادلانه و منصفانه از آبراه‌های محاذی و متوالی را در داخل قلمروش تضمین می‌کند. از سایر پیمان‌ها برای نمونه می‌توان به پیمان ۱۹ سپتامبر ۱۹۶۰ در مورد آب‌های ایندوس بین هند و پاکستان، پیمان ۳ فوریه ۱۹۴۴ بین آمریکا و مکزیک در مورد استفاده از آب‌های مرزی و پیمان ۴ دسامبر ۱۹۵۹ که بین هند و نپال بسته شده در ارتباط با رود گانداک اشاره کرد. ویژگی‌های پدیدار شونده رفتار کشورها در پاسخ به مسائل پیچیده‌ای که با آن روبه‌رو هستند، بنابر نظریه پیچیدگی برای هیچ پژوهش و پژوهشگری پیش‌بینی‌پذیر نیست؛ اما مرور چارچوب‌های ارزشی و حقوقی موجود در این بخش، نشان می‌دهد که با وضعیت پیچیدگی بی‌سامان نیز روبه‌رو نیستیم و به چارچوب‌هایی برای فهم چرایی به‌وجود آمدن مسائل پیچیده دسترسی و از ارزش‌های حقوقی مشترک و مورد توافقی برای پاسخ به آن برخورداریم. در نتیجه، کشورهای سهیم در حوضه کورا - ارس با اقدام بر اساس اصولی همچون تساوی حق حاکمیت، تمامیت ارضی، منافع دوجانبه و حسن‌نیت و با به‌کارگیری این اصول می‌توانند در این سیستم پیچیده برای دستیابی به بهره‌برداری ایده‌آل و حفاظت کافی از منابع آبی مشترک با یکدیگر همکاری کنند و در سطحی میانی قرار گیرند که با حفظ پیچیدگی در حدی سازمان‌یافته و منظم باشند که پویایی‌های سیستم در مسیر

اعتمادسازی، حفظ و تثبیت همکاری قرار بگیرند و همچون پیشرانی برای صلح‌سازی در این منطقه ایفای نقش کنند.

علاوه بر وجود ارزش‌ها و منافع مشترک یا امکان شکل‌گیری و توافق بر سر چارچوبی هنجاری، آنچه بر مبنای نظریه پیچیدگی به همکاری و صلح‌سازی منجر خواهد شد، یادگیری و سازگاری با این موازین و ارزش‌های مشترک است. یادگیری به شکل ساده به توانایی سیستم‌های پیچیده برای واکنش نشان‌دادن یا سازگار شدن با تغییرهای محیط یا وضعیتی که در آن قرار دارد، گفته می‌شود. این تغییرها ممکن است ناشی از پویایی‌های درونی خود سیستم باشد یا به دلیل مداخلات بیرونی باشد. از آنجا که هیچ اقتدار یا کنترل مرکزی برای تشویق یا اجبار بازیگران این حوضه آبریز به همکاری یا شکل‌دادن به نهاد همکاری آبی مشترک وجود ندارد، در پاسخ به پویایی‌های درون خود سیستم که مهم‌تر از همه موازنه نداشتن در دسترسی به منابع آبی است و احتمالاً به دلیل متغیرهایی چون برنامه‌های توسعه، طرح‌های تولید انرژی برق‌آبی یا تغییرهای اقلیمی تشدید نیز خواهد شد، کشورهای ساحلی با دو گزینه رقیب قطع روابط و دامن‌زدن به تنش و بحران‌های امنیتی یا ورود به و تداوم چانه‌زنی و همکاری بر سر مدیریت یکپارچه منابع آبی بر اساس ارزش‌ها و موازین بین‌المللی روبه‌رو هستند.

مداخله‌های بیرونی کنشگران دیگری چون سازمان‌های بین‌المللی، کنشگران ملی و بین‌المللی محیط زیست، انجمن‌های علمی روابط بین‌الملل یا علوم سیاسی و مطالعات منطقه‌ای نیز در همین زمینه معنادار خواهد بود. انگیزه‌بخشی، تشویق و ایجاد چارچوب‌های جدیدی برای ورود بازیگرانی که منافع رقیب دارند، به فرایندهای گفت‌وگو و همکاری‌های جزئی و مقطعی بر اساس پاره‌ای از موازین و ارزش‌های توافق‌شده، به تدریج این امید را ایجاد و تقویت می‌کند که از راه فرایند یادگیری، در بازه‌های زمانی بعدی سازگاری با تنش‌های زیست‌محیطی و صلح‌سازی از راه همکاری بر سر مدیریت یکپارچه منابع آبی گسترش یابد.

نتیجه

مرور مسائل و اولویت‌های حوضه آبی کورا - ارس نشان می‌دهد که با وجود برخی پژوهش‌ها و مطالعات اکولوژیک درباره این حوضه از سویی اطلاعات اعتمادپذیر تجربی درباره این حوضه با محدودیت روبه‌رو است. از سوی دیگر هنوز نهاد سیاسی و بین‌المللی کارآمدی میان کشورهای ساحلی برای مدیریت و مصرف یکپارچه منابع آبی در این حوضه وجود ندارد. این در حالی است که آمار نه‌چندان کامل بین‌المللی به دست آوردن و مصرف منابع آبی توسط کشورهای ساحلی نشان می‌دهد که میان تجدید منابع و مصرف منابع آبی توازن وجود ندارد و اگر در آینده انتظار تداوم همین روند را داشته باشیم، افزایش

مصرف تک تک کشورهای ساحلی ممکن است به اختلاف نظر، نزاع، بحران و حتی درگیری منجر شود.

همچنین با مرور نظریه پیچیدگی و ماهیت مسائل پیچیده آبی در حوضه آبریز کورا-ارس، نشان داده شد که پاسخ به مسائلی از نوع برقراری رابطه خطی میان دو مفهوم یا متغیر اصلی نیست. همچنین با توجه به این نکته که آمار و اطلاعات مربوط به روابط آبی در این حوضه آبی (به ویژه بر مبنای رویکردهای سیاسی و با تأکید بر روابط بین الملل) اندک است، استفاده از نظریه پیچیدگی در درک موضوع نشان می دهد که تعدد و وابستگی متقابل عامل های مؤثر بر بهره برداری از منابع آبی مشترک در حوضه از راه به کارگیری اصول استفاده منصفانه و معقول و جلوگیری از وارد کردن زیان مهم، دو اصل اساسی است که می تواند پیشران همکاری بر سر مدیریت یکپارچه منابع آبی در معنای خاص و صلح سازی در معنای عام در این حوضه شود. این دو اصل بنیادین، چارچوبی برای درک چرایی شکل گیری مسائل پیچیده در این حوضه هستند و امکانی را فراهم می کند تا همه کشورهای سهیم (نه فقط کشورهای ارمنستان، جمهوری آذربایجان و گرجستان) چرایی به وجود آمدن مسائل پیچیده در این حوضه را درک کنند و در مرحله بعد با چگونگی حل آنها با رویکردی جامع و فراگیر درگیر شوند. در چنین نقطه عطفی در آینده، می توان از ایجاد نهادی مشترک و فراگیر میان همه کشورهای ساحلی برای مدیریت یکپارچه منابع آبی سخن گفت که می تواند برای مسائل پیچیده این حوضه پاسخ هایی فراگیر و پیچیده ارائه دهد.

نوع وابستگی ایران به آب های فرامرزی شاید از دلایل اصلی است که سبب شده است، ایران تمایلی به همکاری های دیپلماتیک و بین المللی در زمینه مدیریت یکپارچه و پایدار این حوضه آبی نداشته باشد؛ اما روند نامتوازن منابع و مصارف در آینده یکی از گشتاورها یا پیشران های اصلی کنش های سیاسی، امنیتی و زیست محیطی همه این کشورها در روابط خود با یکدیگر و جهان خواهد بود. همچنین میزان وابستگی کمتر ایران به منابع آبی مشترک در مقایسه با کشورهایی چون ارمنستان و جمهوری آذربایجان (که بخشی از آن به وسعت جغرافیایی کشور و سیاست های تأمین منابع آب باز می گردد)، یکی دیگر از شرایطی است که تمایل ایران به بازاندیشی و ابتکار عمل در این حوضه را کاهش داده است؛ اما همین عامل وابستگی به منابع آبی مشترک در مقایسه با کشورهای دیگر ساحلی، همچون عاملی بحران ساز یا توانا ساز به روابط سیاسی و امنیتی ایران با کشورهای همسایه عمل خواهد کرد بسته به آنکه رفتار پدیدار شونده همه کشورهای ساحلی در آینده چگونه رقم زده شود.

References

1. **Aquastat** (2009), "Kura Araks Basin", pp. 1-6, Available at: http://www.fao.org/nr/water/aquastat/basins/kura-araks/kura.araks-CP_eng.pdf, (Accessed on: 25/6/2018).
2. Campana, M. E. and Others (2008), "Science for Peace: Monitoring Water Quality and Quantity in the Kura-Araks Basin of the South Caucasus", in: J. E. Moerlins, M. K. Khankhasayev, S. F. Leitman and E. J. Makhmudov (eds), **Transboundary Water Resources: a Foundation for Regional Stability in Central Asia**, NATO Science for Peace and Security Series C: Environmental Security, Netherlands: Springer, Dordrecht.
3. Choudhury, E. and S. Islam (2015), "Nature of Transboundary Water Conflicts: Issues of Complexity and the Enabling Conditions for Negotiated Cooperation", **Journal of Contemporary Water Research and Education**, Vol. 155, No. 1, pp. 43-52.
4. Depaoli, G. and P. Strosser (2012), "Strengthening the Economic and Financial Dimension of Integrated Water Resources Management in Azerbaijan, Georgia and Armenia Case Study on the Kura River Basin", **Project Report at EUWI, ENV/EPOC/EAP (2012) 10**, Available at: https://umweltbundesamt.de/sites/default/files/analytical_report_oecd_kura.pdf, (Accessed on: 12/2/2018).
5. Gunitsky, S. (2013), "Complexity and Theories of Change in International Politics", **International Theory**, Vol. 5, No. 1, pp. 35-63.
6. Hefny, Magdy A. (2011), "Water Diplomacy: a Tool for Enhancing Water Peace and Sustainability in the Arab Region", Available at: [http://unesco.org/new/fileadmin/MULTIMEDIA/FIELD/Cairo/Water%20Diplomacy%20in%20Action%20Strategy%20Doc%203%20Rev%202%20Final%20and%20Action%20Plan\[1\].pdf](http://unesco.org/new/fileadmin/MULTIMEDIA/FIELD/Cairo/Water%20Diplomacy%20in%20Action%20Strategy%20Doc%203%20Rev%202%20Final%20and%20Action%20Plan[1].pdf), (Accessed on: 2/1/2018).
7. **International Court of Justice** (1997), "GabCikovo-Nagymaros Project (Hungary/Slovakia)", Available at: <http://www.icj-cij.org/files/case-related/92/092-19970925-JUD-01-00-EN.pdf> (Accessed on: 1/2/2018).
8. Islam, S. and A. C. Repella (2015), "Water Diplomacy: a Negotiated Approach to Manage Complex Water Problems", **Journal of Contemporary Water Research and Education**, Vol. 155, No. 1, pp. 1-10.
9. Mitchell, Melanie (2016), **Complexity: a Guided Tour**, Translated by Reza Amir Rahimi, Tehran: Farhang-e Nashr-e Now [in Persian].
10. **Société des Nations - Recueil des Traités** (1929), "Republique Dominicaine et Haiti, Traite de Paix, d'Amitie et d'Arbitrage", Available at: <http://www.worldlii.org/int/other/LNTSer/1930/180.pdf> (Accessed on: 2/1/2018).
11. Susskind, L. and S. Islam (2012), "Water Diplomacy: Creating Value and Building Trust in Transboundary Water Negotiations", **Science and Diplomacy**, Vol. 1, No. 3, pp. 1-7.
12. **TWAP** (2016), "The Global Transboundary River Basins", Available at: <http://twap-rivers.org/> (Accessed on: 10/1/2018).

13. **UNDP/GEF** (2007), "Kura-Aras River Basin Transboundary Diagnostic Analysis", Available at: <http://ais.unwater.org/ais/aism/getprojectdoc.php?docid=771> (Accessed on: 2/1/2018).
14. **UNDP/GEF** (2011), "Reducing Transboundary Degradation of the Kura-Aras River Basin", Available at: <https://erc.undp.org/evaluation/documents/download/7472>, (Accessed on: 23/6/2018).
15. Vener, Berrin Basak (2007), "The Kura-Araks Basin: Obstacles and Common Objectives for an Integrated Water Resources Management Model among Armenia, Azerbaijan, and Georgia", Available at: http://digitalrepository.unm.edu/wr_sp/61, (Accessed on: 20/1/2018).
16. Vener, Berrin Basak and Michael Campana (2013), "Conflict and Cooperation in the South Caucasus: the Kura-Araks Basin of Armenia, Azerbaijan, and Georgia", Available at: https://www.researchgate.net/publication/240637981_Conflict_and_Cooperation_in_the_South_Caucasus_the_Kura-Araks_Basin_of_Armenia_Azerbaijan_and_Georgia, (Accessed: 24/6/2018).
17. **World Water Council** (2015), "WWC Strategy 2016-2018: Secure, Adapt, Sustain", WWC Strategy 2016-2018, Available at: http://worldwatercouncil.org/fileadmin/world_water_council/documents/official_documents/20151201_WWC-Strategy-2016-18.pdf, (Accessed on: 2/12/2017).

